روزنامه شرق

جهان . گزارش

روند صلح میانمار و مساله «سوچی» — صفحه ۱۰

محمود عباس: دولت یهودی را به رسمیت نمی‌شناسم — صفحه ۱۰

صدای آب می‌آید — صفحه ۱۲

عکس: Gettyimages

پایان تلخ یا تلخی بی‌پایان؛ مساله این است

«اردوغان» سکاندار می‌ماند؟

میلاد حسنی: ساعت شنی را برای «باشباکان اردوغان» بر عکس کرده‌اند؛ باشباکان در زبان ترکی استانبولی یعنی نخست‌وزیر. اما معنای تحت‌اللفظی آن یعنی کسی که سرتر از همه نگاه می‌کند. اگر این گزاره را در نظر بگیریم باید از خود سوال کنیم: اگر باشباکان اردوغان بالاتر از همه نگاه می‌کرد چرا متوجه فساد درون حکومتش نشده است؟ دوست و دشمن اردوغان می‌گویند کشف فساد در درون دولت اردوغان چه آنکه خود می‌گوید؛ توطئه‌ای بوده است و چه دیگرانی که می‌گویند بر اثر اهمال اردوغان اتفاق افتاده است، یک واقعیت است؛ واقعیتی که هر روز شاخ‌وبرگ تازه‌تری پیدا می‌کند و این شاخ‌وبرگ تازه را کسی برای اردوغان به ارمغان نمی‌آورد جز همبازی سابق او، فتح‌الله گولن.

فتح‌الله گولن، مرد مرموز و پیچیده‌ای است. او در اوایل دهه ۹۰ به آمریکا گریخت و در حال حاضر در این کشور در تبعیدی خودخواسته به سر می‌برد. وی با وجود اینکه به ایالات‌متحده پناه برده است اما فرمان هدایت ترکیه را از دست نداده است؛ فرمانی که نزدیک به دودهه طول کشید تا بچرخد که به جاده اصلی برسد. از اینجا به بعد باید کسی می‌بود تا بتواند فرمان را دستش بدهد تا او با خیال راحت به کارهای دیگر خود برسد.

اردوغان بهترین گزینه‌ای بود که می‌توانست جاده را برای اسلامگرایان هموار کند. مردی دقیق، نترس و با زبانی سرخ؛ همین زبان سرخ، سر سبز او را به باد داد و اردوغان که تازه بر کرسی شهرداری ترکیه تکیه زده بود از دفتر کارش به زندان رفت و در جشن پیروزی اسلامگرایان غایب بزرگ بود. در حالی که اسلامگرایان توانسته بودند پیروزی بی‌نظیری را کسب کنند، اردوغان در زندان به سر می‌برد و باید یک شوفر موقت برای خودرو حزب عدالت و توسعه انتخاب می‌شد تا راننده این خودرو به سلامت بازگردد.

نفر دوم این حزب، این وظیفه را برعهده گرفت. دوست گرمابه و گلستان اردوغان؛ عبدالله‌گل برای مدت کوتاهی جای او نشست و زمانی که اردوغان، پا از زندان بیرون گذاشت به مجلس کبیر ترکیه رفت و هم‌قطاران او در مجلس، وی را نخست‌وزیر کردند و عبدالله‌گل را به «چانکایا» فرستادند.

چانکایا کاخی زیباست که دفتر کار رییسان‌جمهوری ترکیه است. «باشکان گل» به این کاخ رفت و هم‌اینک نزدیک ۱۱سال است ماشین امضای اردوغان شده است. در قانون اساسی ترکیه، یک قانون زمانی شکل اجرایی به خود می‌گیرد که باشکان آن را امضا کند. هم‌اینک بیش از یک دهه است این وظیفه خطیر را عبدالله‌گل برعهده گرفته است. نمونه اخیر این موضوع را می‌توان در قانون تحدید اینترنت توسط حزب عدالت و توسعه دید که با وجود همه مخالفت‌ها، آن را امضا کرد. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان و مخالفان آزادی بیان اعتقاد داشتند که عبدالله‌گل باید از امضای این قانون خودداری کند و مانع از اجرایی‌شدن آن شود.

لامپ حزب عدالت و توسعه خاموش می‌شود؟

ماکس وبر در جایی می‌گوید: «حاکم بر رفتار انسان‌ها، نه افکار، بلکه منافع مادی و انسانی است.» این جمله مصداق بارز رویکرد حزب عدالت و توسعه بوده و هست. به‌ویژه در روزهایی که تازه بر سر کار آمده بودند. این حزب اسلامگرا توانست با رویکردهای سکولار به راحتی کنار بیاید و خود را نه‌تنها نقطه مقابل آن نشان نداد، بلکه با آن همراه و موافق شد. ازاین‌رو حزب عدالت و توسعه بدون آنکه کاری با رویکردهای جد پیشین خود - حزب رفاه اربکان - داشته باشد، رویکرد خود را اقتصادی قرار داد و راهی را که تورگوت اوزال، معمار اقتصاد نوین ترکیه آغاز کرده بود در پی گرفتند. اقتصاد، مهم‌ترین حربه برای حزب عدالت و توسعه بود که توانست رای‌ها را به سبد این نواسلامگرایان بریزد. زمانی که این حزب تشکیل شد، هوشمندانه نام عدالت و توسعه را برای خود انتخاب کرد.

بی‌عدالتی‌ها و اقتصاد شکننده که یادگار دوران سخت حکومت نظامیان بود به نوعی سقوط کرد و همه‌وهمه عواملی شدند که این حزب با این نام در بین مردم و در انتخابات محلی، خوش بدرخشد. این حزب نام «عَدالت و کالکینما» را برای خود انتخاب کرد که به معنای عدالت و توسعه است. نکته جالب این است که در ترکیه این حزب را به اختصار «آک‌پارتی» می‌خوانند. «آک» در زبان ترکی به معنای روشنایی و سپیدی است. همراهی نام عدالت و توسعه با یک لامپ روشن که در نقطه مرکزی پرچم حزب عدالت و توسعه قرار گرفته است، در واقع یادآور این است که این حزب از فساد دوری خواهد کرد و در راستای شفاف‌سازی قدم برخواهد داشت؛ شعارهایی که در تمامی انتخاباتی که این حزب حضور داشته به کرات اعلام شده است.

به نام اوزال، به کام اردوغان

به گفته بیشتر کارشناسان، سیاست خصوصی‌سازی اقتصادی توروگوت اوزال یکی از جسورانه‌ترین اتفاقاتی بوده است که برای ترکیه رخ داده است. اوزال اساسا برای تحرک اجتماعی و رهایی از تورم دورقمی یک بسته پیشنهاد اقتصادی ارایه کرد که اساس آن بر مبنای خصوصی‌سازی بود. اوزال بر این عقیده بود که خصوصی‌سازی و بازگذاشتن درهای اقتصادی ترکیه به روی سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند این کشور را از ورطه سقوط و فلاکت اقتصادی نجات دهد. اما این رویکرد وی به یک نتیجه تک‌بعدی ختم نشد. رویکرد درهای باز اقتصادی او یک بازه چندبعدی به همراه داشته است که در نهایت ترکیه را به شکل امروزی خود درآورده است. نتایجی که باعث شد یک طبقه مرفه اسلامی در ترکیه به وجود آید. هاکان یاووز در کتاب «سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه» می‌نویسد:

«در دهه ۹۰، ظهور بورژوازی اسلامی آناتولیایی- محور فراگردی رودرروی ائتلافی اقتصادی و فرهنگی بین دولت و سرمایه‌داران مستقر در استانبول بود. اکثر کارآفرینان اسلامی، اولین نسل فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و غالبا بخشی از خرده‌بورژوازی آناتولی‌محور هستند که از سیاست‌های اقتصادی نولیبرال اوزال، که با شدت‌دادن به تحرک اجتماعی امکان راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک و میانه را برای آنان فراهم ساخته بود سود جستند. این کارآفرینان نخستین نخبگان اقتصادی شهری هستند که هنوز مناسبات محکمی با شهرهای کوچک و روستاهای آناتولی دارند.» با نگاهی به این بخش از گفته‌های یاووز می‌توان به این موضوع پی برد که شالوده اولیه حزب عدالت و توسعه با همین بازرگانان به اصطلاح آناتولیایی ریخته شده است. کسانی که به عنوان اهرم‌های نامریی موجب بالارفتن حزب عدالت و توسعه از پله‌های ترقی شدند و راه را برای ورود نواسلامگرایان در عرصه سیاسی فراهم کردند. زمانی که حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان قدرت را در دست گرفت، این گروه با ادامه راه تورگوت اوزال با کمی اسپاس اسلامی راه وی را با حدت بیشتری ادامه داد. حزب عدالت و توسعه تنها در یک مورد با آمال تورگوت اوزال نقطه افتراق داشت و اینکه این حزب به عکس اوزال که آرزو داشت مناسبات اقتصادی را با غرب بهبود ببخشد اما دارودسته آناتولیایی‌ها راهی دیگر برگزیدند و آنها با استراتژی احمد داوودواغلو همکاری‌های منطقه‌ای را در پیشانی مانیفست خود قرار دادند. احمد داوودواغلو که از او باعنوان هنری کیسینجر ترک یاد می‌شود با یک تئوری وارد عرصه سیاست خارجی شد که سودی دو چندان را عاید آنکارا کرد.

او بر عکس پیشینیان خود به جای اینکه مشت بر سندان اتحادیه اروپا و غرب بکوبد دست خود را به سوی کشورهای پولدار منطقه دراز کرد و سرمایه «دشداشه‌پوشان» منطقه را به سوی این کشور روانه ساخت. همچنین این کشور تا پیش از بحران سوریه توانست ارتباط خوبی با تهران بگیرد و همکاری‌های اقتصادی خود را نیز با ایرانیان تقویت کند.

این رویکرد باعث شد اردوغان بتواند تورم را به پایین‌ترین حد ممکن خود در تاریخ مدرن ترکیه برساند و رشد اقتصادی سالانه خود را حفظ کند. در سال ۲۰۰۸ زمانی که بحران اقتصادی، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها را زمینگیر کرده بود، تنها دو کشور رشد اقتصادی خود را توانسته بودند حفظ کنند: یکی چین، غول جدید اقتصادی جهان و دیگری ترکیه که قصد دارد تا سال ۲۰۲۳ که سال چشم‌انداز است، از رتبه ۱۷ اقتصادی دنیا خود را به رتبه‌ای تک‌رقمی برساند.

مصایب یک نخست‌وزیر

زمانی که اردوغان وارد کاخ «دولما باحچه‌سی» شد یک اتفاق غیرمنتظره رخ داده بود. در تاریخ مدرن ترکیه دولتی تشکیل شده بود که توانسته بود اکثریت مجلس را به دست گیرد و دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه نیازمند ائتلاف با هیچ گروهی نبود. همین یکنواختی باعث شد که اردوغان دستش برای تعیین دولت خود باز باشد. تجربه تاریخی در ترکیه نشان داده بود که دولت‌های ائتلافی، معمولا زیر بار فشار نظامی‌ها به آخر خط نمی‌رسند.

نمونه کامل این مورد را می‌توان در دولت بولنت اجویت دید که بر اساس گمانه‌زنی‌های ارایه‌شده، زیر فشار نظامی‌ها دولتش از هم پاشید اما اردوغان این شانس را آورده بود که با هیچ حزبی ائتلاف نکرده و تیمی یکدست تشکیل داده بود. با این حال یک مانع بزرگ برای اردوغان باقی مانده بود که می‌توانست هر

اردوغان به‌لحاظ قانونی به آخر خط رسیده است. او دیگر در سیستم قانونی ترکیه جایی نخواهد داشت. او از دوسال قبل، کلید برنامه‌ای را زده است که خود را وارد چانکایا کند. این‌بار در قبای ریاست‌جمهوری اما نه در قدوقواره عبدالله‌گل. او می‌خواهد سیستم پارلمانی را به ریاست‌جمهوری تغییر دهد تا باز هم حرف اول و آخر را خود او بزند

لحظه مانند آوار بر سر او خراب شود. حضور نظامی‌های قدرتمند در ارتش، همواره یک اهرم فشار علیه دولت‌ها بودند که حتی به کودتا نیز ختم شده بود.

ارتش ترکیه بر عکس سایر ارتش‌های دنیا، دخالت در امور سیاسی را بر اساس وصیت مصطفی کمال ملقب به «آتاتورک» وظیفه خود می‌دانست؛ وصیتی که در آن اشاره شده بود اگر ارتش تشخیص داد که دولت‌ها از اصول سکولاریسم (برخی از منتقدان، کمالیسم می‌خوانند) منحرف شد وظیفه دارد مداخله کند. همین وصیتنامه باعث شده است که تاکنون سه کودتای خونین در ترکیه صورت بگیرد. اردوغان نیز از این موضوع هیچ‌گاه غافل نبود و در نهایت در سپتامبر سال ۲۰۱۱ با برگزاری یک همه‌پرسی، مهم‌ترین بند مصونیت نظامی‌ها را ملغی کرد. بر اساس این بند باطل شده، نظامی‌ها از مصونیت قضایی برخوردار بوده و دادگاه‌ها حق رسیدگی به اتهامات آنها را نداشتند. هرچند در این میان به گفته برخی تحلیلگران نمی‌توان بی‌اعتنا از کنار پایان جنگ سرد گذشت. در زمانی که جنگ سرد بین دو غول شرق و غرب در جریان بود، ایالات‌متحده آمریکا مجبور به بال‌وپردادن به نظامی‌های ترکیه بود تا ارتش این کشور را در اردوگاه خود حفظ کند.

با وجود این هیچ نخست‌وزیری نتوانسته بود این قانون را در تاریخ صدساله مدرن ترکیه ملغی یا حتی خدشه‌ای به آن وارد کند. با برداشته‌شدن این مصونیت، اردوغان توانست فوج‌فوج نظامی‌ها را به انحای مختلف روانه زندان کند. شاخص‌ترین این زندانی‌ها، کنعان اورن بود که رهبر کودتای دهه ۸۰ این کشور به حساب می‌آمد. از این رو دو دادگاه با عنوان «بال یوز» که به معنی ضربه پتک است تشکیل شد و قوه قضاییه این کشور اعلام کرد نظامیان این کشور به رهبری «اورن» در سال ۲۰۰۷ در پی کودتایی علیه دولت اردوغان بودند. از دیگر سو نیز یک پرونده دیگر علیه نظامی‌ها تشکیل شد که «ارگنه‌کون» نام گرفت.

این پرونده نیز با عنوان کودتا علیه دولت قانونی اردوغان تشکیل شد و در پی آن نزدیک به صدنفر به زندان رفتند. در این پرونده ادعا شده بود نظامیان از دوبال اجرایی و خبری برخوردار بودند که برای سرنگونی دولت اردوغان تلاش می‌کردند. از بخش خبری نزدیک به ۱۷ خبرنگار روانه زندان شدند و باقی زندانی‌ها از خود ارتشی‌ها بودند.

با این حال اردوغان تنها به فکر محدودکردن ارتشی‌ها نبوده است. او در یک تلاش هفت‌ساله، در خفا، در پی محدودکردن کسی بود که تا دو ماه پیش از او به عنوان پدر خوانده حزب عدالت و توسعه یاد می‌شده است. فتح‌الله گولن، روحانی ترک‌ها که در خانه-مزرعه سه‌هکتاری خود زندگی می‌کند و فرمان هدایت ترکیه را به دست گرفته است هدف دوم او بوده است تا از این طریق بتواند تمامی موانع موجود بر سر راهش را از میان بردارد؛ مردی که بیشتر کمیته‌های خیریه این کشور و از جمله بازرگانان آناتولی زیر نفوذ او هستند. خبرنگار روزنامه «طرف» در این راستا خبری را فاش کرد که اوج تیرگی روابط دو طرف را نشان می‌داد ولی تا پیش از آن عیان نشده بود. خبرنگار روزنامه طرف با انتشار یک نامه فوق‌محرمانه اعلام کرد نخست‌وزیر این کشور از سال ۲۰۰۴ در پی محدودکردن فعالیت‌های جنبش خدمت است.

جنبش خدمت که به ترکی به آن «حیزمت» می‌گویند در واقع بال پرواز گولن بر آسمان سیاست ترکیه است. این جنبش همچنین یک راه بسیار عالی برای نفوذ در این کشور دارد. ضعف آموزشی در ترکیه و جنس سخت کنکور ملی در این کشور باعث شده است که دانش‌آموزان پیش از ورود به امتحان کنکور، در مدارسی خصوصی ثبت‌نام کنند تا این مدارس آنها را به آمال و آرزوهایشان برسانند. نام این مدارس که در ترکیه به «درشانه» معروف است مهم‌ترین منبع درآمد طرفداران گولن است. موضوعی که از سوی اردوغان به عنوان معضل شناسایی شد، باعث شد تا در تغییرات و تحولاتی که اردوغان در سیستم آموزشی این کشور لحاظ کرده بود، دستور به برچیده‌شدن این مدارس بدهد که همین دستور، طرفداران گولن را در بهت و حیرت فرو برد. یارغار دیروز، شمشیر را از رو بسته بود و تصمیم گرفته بود که طرفداران گولن را آچمز کند.

به گفته برخی از کارشناسان، هیچ‌گاه پیش‌بینی نمی‌شد که این درگیری‌ها در ترکیه منجر به کشف فسادی به این عظمت شود. برخی می‌گویند گولن و طرفدارانش از این فساد دولتی باخبر بوده‌اند و در واقع این موضوع را به عنوان سلاح مخفی نگه داشته بودند تا در روز مبادا از آن استفاده کنند. این در حالی است که گولن بارها اعلام کرده در آشکارشدن این رسوایی مالی، هیچ نقشی نداشته است. با این حال این انکارها به مباهله دوطرف انجامید و گولن در یک برنامه تلویزیونی، پس از اینکه اردوغان برخی از نیروهای پلیس را که ظن همکاری با تیم گولن را داشتند از کار برکنار کرد، او را نفرین کرد. او در این برنامه تلویزیونی در حالی که دستان خود را با عصبانیت در هوا می‌چرخاند می‌گفت که خدا مسببان این مصیبت را روانه جهنم کند. او در حالی که بغض کرده بود فریاد می‌زد که خدا آتش به خانه‌هایتان بیندازد. اما این مباهله با جواب ملایم‌تر اردوغان روبه‌رو شد. او در بین هواداران خود ابتدا گفت که مسلمان کسی را نفرین نمی‌کند اما زمانی که در بورسا در بین طرفداران کفن‌پوش خود حاضر شد لحن تندتری به خود گرفت و او هم به مقابله‌به‌مثل دست زد و غیرمستقیم گولن را نفرین کرد.

رسوایی مالی؛ هر دم از این باغ بری می‌رسد

پرونده‌ای که در حال حاضر علیه دولت ترکیه تشکیل شده به پرونده «ضداختلاس» شهرت یافته است. موضوع از این قرار بوده که تاجری ایرانی به نام رضا ضراب با انتقال ۸۷میلیاردیورو از ایران طلا به این کشور صادر کرده است. در پی این موضوع ابتدا پای فرزندان سه وزیر این کشور به ماجرا گشوده شد که گفته می‌شود از رضا ضراب رشوه دریافت کرده‌اند. سپس پای خود وزیران نیز به این پرونده باز شد. وزرای اصلی که گفته می‌شود در پرونده اختلاس نقش داشته‌اند: وزرای کشور، اقتصاد و محیط‌زیست بوده‌اند که هرکدام از آنها به انحای مختلفی در این پرونده متهم شده‌اند. در اتهامات موجود علیه وزیر اقتصاد کشور ترکیه آمده است که وی چندین‌بار با هزینه شخصی رضا ضراب به حج مشرف شده و همچنین وی ساعتی ساخته‌شده از طلا به قیمت ۳۰۰هزاردلار دریافت کرده است. اما در موارد اتهامی وزیر کشور آمده است که وی با همکاری یکی از متهمان این پرونده به نام آقاوغلو، که از تاجران سرشناس این کشور بوده است ملاقات داشته و فیلم این ملاقات را نیز افشا کرده‌اند. هنوز دو هفته از افشای این اطلاعات نگذشته بود که پای رییس‌پلیس دوبی نیز به این پرونده باز شد. گفته می‌شود که در انتقال‌های غیرقانونی تجارت طلا، رییس‌پلیس این کشور نیز رشوه دریافت کرده است. از دیگر سو خبر رسید که رضا ضراب هزینه اقامت روسای پلیس دوبی را در استانبول متقبل شده و حضور زنانی را نیز در اتاق‌های‌شان برای آنها فراهم کرده است. روزنامه تودیززمان می‌نویسد نواری در این راستا فاش شده است که رضا ضراب برای زنی متاهل چانه‌زنی می‌کند که همین موضوع، جنجال فراوانی در عرصه عمومی ترکیه به‌وجود آورد. بر این مبنا گفته می‌شود که «ابرو گوندش» همسر رضا ضراب که از خواننده‌های معروف ترکیه است از او دلسرد شده و برخی از روزنامه‌های دولت خبر داده‌اند که وی پس از شنیدن این خبر، از ملاقات با او سر باز زده است. این در حالی است که پیش از این «ابرو» خواستار آزادی همسرش شده بود و مدعی شده بود که به سرطان پیشرفته پروستات دچار است. هرچند در این میان برخی از روزنامه‌های ضد دولت از جمله حریت اعلام کرد که دولت ترکیه در پی آزادی همیشگی اوست و این مریضی رضا ضراب بازی تازه دولت اردوغان است.

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت

دکترین جدید نظامی ژاپن

محمودرضا امینی

پس از تحرکات اخیری که در مناطق مورد مناقشه ارضی ژاپن و چین شاهد بودیم، توکیو تصمیم گرفت در نخستین گام برای نمایان‌ساختن رویکرد جدید راهبردی خود، بودجه نظامی این کشور را دودرصد افزایش دهد که در دهه اخیر بی‌سابقه است. البته این افزایش بودجه نظامی در برنامه شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن و حزب متبوعش در زمان مبارزات انتخاباتی قرار داشت و شعار برخورد قاطع‌تر با پکن بر سر اختلافات ارضی نیز راهگشای به قدرت‌رسیدن وی شد. ضمن اینکه ژاپن به‌دنبال افزایش نقش‌آفرینی در فرآیندهای بین‌المللی با ارتقای سطح توان نظامی خود است. لذا افزایش بودجه نظامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر رویکردهای ژاپن در مواجهه با قدرت‌نمایی‌های همسایه غربی‌اش یعنی چین بود تا از این طریق مولفه‌های عمل‌گرایی و قاطعیت خود را در رویکردهای خارجی، به‌ویژه در مسایل دفاعی بروز دهد.

در گام بعدی دولت ژاپن قصد دارد قانون منع صادرات اسلحه از این کشور را با گذشت بیش از چهار دهه لغو کند. هرچند این اقدام ژاپن احتمالا منجر به افزایش تنش‌ها در منطقه شرق آسیا خواهد شد. در همین راستا، دولت ژاپن سرگرم تدوین پیش‌نویسی برای تغییردادن محدودیت‌هایی است که از طریق قانون اساسی ژاپن بر این کشور اعمال می‌شود. قوانین جدید به توکیو اجازه می‌دهد به گروه‌های مختلف بین‌المللی اسلحه صادر کند، مشروط بر اینکه صادرات جنگ‌افزار به این گروه‌ها، به دفاع از امنیت ژاپن کمک کند. هرچند رفع تنش‌ها و کنترل بحران در روابط منطقه‌ای ژاپن، محور اصلی سیاست خارجی دولت این کشور را تشکیل می‌دهد، اما به کارگیری تاکتیک‌های راهبردی همزمان برای برخورد با چالش‌های پیش‌رو، به ویژه تحولات چین در مناطق مورد مناقشه ارضی با این کشور نیز در دستور کار دولت شینزوآبه قرار گرفته است. ضمن اینکه محیط امنیتی ژاپن نیز در سال‌های اخیر دچار دگرگونی‌های عمده‌ای شده که مهم‌ترین آنها ظهور قدرت نظامی چین و برخورداری کره شمالی از توانایی هسته‌ای است. شبه‌جزیره کره و تحولات آن در سال‌های اخیر، از عوامل مهم دیگر در تغییر محیط امنیتی ژاپن و تغییر رویکردهای نظامی این کشور محسوب می‌شود. بنابراین مناقشه هسته‌ای کره‌شمالی علاوه بر آنکه بحران مزمنی را در منطقه شرق آسیا شکل داده است، باعث می‌شود تا محیط امنیتی ژاپن به خطر افتد و این کشور در مورد امنیت خود دچار نگرانی‌های بیشتری شود. از این رو در تعقیب عنصر عملگرایی و نمایش تغییر در سیاست خارجی ژاپن، بالابردن ضریب بازدارندگی از طریق افزایش بودجه نظامی و نیز استفاده از اهرم‌های دیپلماتیک در دستور کار دولت آبه قرار دارد چراکه افزایش توان نظامی چین و تغییر محیط امنیتی ژاپن، این کشور را نگران کرده است. در نتیجه، حرکت رهبران و اندیشمندان ژاپنی از گرایش‌های لیبرالیستی گذشته خود که در اثر شکست سنگین این کشور در جنگ‌جهانی‌دوم پدید آمده بود، به سوی گرایش‌های ناسیونالیستی که در اثر به‌خطرافتادن محیط امنیتی این کشور رخ داده را می‌توان به وضوح در تحرکات اخیر این کشور مشاهده کرد و باید در آینده منتظر خوداتکایی بیشتر دفاعی ژاپن و ظهور مجدد این کشور به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه نظامی بود.

نگاه

«چانکا» یا مقصد بعدی اردوغان؟

مورات یتکین . مترجم: هدی اسلامی

عبدالله‌گل رییس‌جمهوری ترکیه تاکنون لوایح مختلفی را معطل نگه داشته و از امضای آن خودداری کرده است. در ترکیه یک قانون زمانی شکل رسمی و اجرایی پیدا می‌کند که رییس‌جمهوری آن را امضا کند. مهم‌ترین قانونی که عبدالله‌گل معطل نگه داشته قانون اصلاحات قضایی است که جنجال‌های فراوانی ایجاد کرده است. عبدالله‌گل اگر تاکنون از امضای این قانون خودداری کرده، به‌دلیل حفظ استقلال قوه‌قضاییه است. او حتی قانون دوم را نیز که با تاخیر امضا کرد پس از اصلاحاتی قلم را روی کاغذ لرزاند. چرا که وی دغدغه آزادی بیان را در نظر گرفته بود. با این حال باید گفت که برای انتخابات ریاست‌جمهوری ترکیه در تاریخ ۲۷آگوست۲۰۱۴، تنها دو کاندیدا مطرح هستند که رقابت سختی خواهند داشت. رجب‌طیب اردوغان و عبدالله‌گل نزدیک به شش‌ماه دیگر رقابتی سخت و طاقت‌فرسا با هم خواهند داشت.

در نخستین انتخاباتی که رییس‌جمهور با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود، هر کاندیدایی که می‌خواهد خود را در قبای ریاست‌جمهوری مشاهده کند باید دست‌کم رای ۵۰ به علاوه یک را به دست آورد. این رای سنتی حزب حاکم در ۱۱سال گذشته بوده است. البته مبرهن است که اردوغان آرزوی پوشیدن ردای ریاست‌جمهوری را دارد و سعی می‌کند با محکم‌ترکردن جایگاهش خود را به کاخ ریاست‌جمهوری یعنی چانکایا برساند. در مورد این کاخ که بر تپه‌های آنکارا بنا شده است باید گفت که درِ آن زمانی به روی اردوغان باز خواهد شد که بتواند کل رای سنتی حزب حاکم، یعنی ۵۰ به علاوه یک را از آن خود کند. این رقمی است که در سال ۲۰۱۱ حزب حاکم در انتخابات پارلمانی توانست از آن خود کند و هم‌اینک نیز اردوغان آرزومند است که بتواند برای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری چنین رقمی را از آن خود کند. هرچند با توجه به ویژگی‌های شخصیتی اردوغان باید گفت که وی به موضوعی فراتر از خود ریاست‌جمهوری می‌اندیشد. او در ابتدا از جایگاهی که قانون برای رییس‌جمهور ترکیه در نظر گرفته است انتقاد می‌کند. او سپس گفت که شاخه اجرایی، قانونگذاری و قضایی در کار هم تداخل ایجاد می‌کنند و قدرت این سه قوه همدیگر را خنثی می‌کند. اردوغان قصد دارد همچنان ریاست خود را بر حزب عدالت و توسعه ادامه دهد، در حالی‌که وی به‌لحاظ آیین‌نامه داخلی خود این حزب دیگر نمی‌تواند دبیرکل حزب عدالت و توسعه باشد و باید شخصی دیگر را جایگزین خود کند. او برای این کار قصد دارد در صورت انتخاب‌شدن در ریاست‌جمهوری همچنان دبیرکل حزب عدالت و توسعه باقی بماند و هرگز صندلی خود را در این حزب ترک نکند حتی اگر برای مدت زیادی دنباله‌رو عبدالله‌گل باقی بماند. او برای این منظور، پیش از این قصد داشت تا با برگزاری یک «همه‌پرسی» سیستم فعلی ترکیه را تغییر دهد و قانونی را پیاده کند که یک حزب با ریاست یک رهبر یا دبیرکل کشور را اداره کند.

اما الان زمانه فرق کرده است. بهار عربی همچنان با سرعت در حال حرکت است، اخوان‌المسلمین در همه کشورهای اسلامی به پا خاسته‌اند، اقتصاد ترکیه هنوز تحت تاثیر تصمیمات فدرال رزرو ایالات‌متحده آمریکا نیست و اوتوریته اردوغان هم نشان داد که مصون از آسیب نیست.

موضع سرسختانه اردوغان در برابر معترضان پارک‌گزی همه‌چیز را تغییر داد. او طرفدارانی را از دست می‌دهد که موسوم به «لیبرال شهری» هستند. آنها سالیان سال از حامیان سرسخت حزب عدالت و توسعه بودند و در اصلاحاتی که حزب عدالت و توسعه رقم زد آنها همپای این حزب بودند. او برای آنکه بتواند مردمی را که به وی رای داده‌اند تحت‌تاثیر قرار دهد و جایگاه خود را محکم کند، گفت: «اگر من بروم، رنج‌های شما آغاز خواهد شد.» حتی روند بدتر از آن چیزی که فکر می‌کرد شد و اردوغان این‌بار رودرروی مردی ایستاد که سال‌های سال هم‌پیمان وی بود؛ فتح‌الله گولن، روحانی و دانش‌آموخته اسلامی ترکیه که مقیم ایالات‌متحده است. بر این اساس با آغاز عملیات ضداختلاس و رشوه در استانبول نخست‌وزیر فتح‌الله گولن را در قامت یک دادستان دید که قضات، نیروهای پلیس و بخشی از نیروهای امنیتی به تبعیت از او به جان دولتش افتاده‌اند.

اردوغان اما یک نکته را در نظر نگرفته است و اگر هم به آن دقیق شده باشد آسان از کنار آن گذشته است و آن اینکه ریشه رای‌های مردمی به حزب وی به‌خاطر گولنیست‌هاست. بیشتر از نیمی از کسانی که به حزب وی و خود اردوغان رای داده‌اند گولنیست‌ها بوده‌اند. آنها دق‌الباب کرده‌اند و دموکراسی روی خوش به آنها نشان داد. پس بیراه نیست که اردوغان برای انتخابات ۳۰مارس نگران باشد. انتخاباتی که قرار است شهرداران را تعیین کند و هم‌اینک بیشتر این شهرداران از حزب وی هستند. البته رای مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری بسیار مهم‌تر از انتخابات محلی است. اما انتخابات محلی درواقع جایی است که قرار است پیش‌زمینه‌ای از وزن اردوغان برای انتخابات آگوست نشان دهد. در این راستا سخنگوی حزب عدالت و توسعه می‌گوید که اگر حزب آنها در انتخابات محلی کمتر از ۴۰درصد رای مردم را کسب کنند آنها برای انتخابات ریاست‌جمهوری دیپلماسی خود را تغییر خواهند داد. اما اگر آنها بتوانند ۴۰ تا ۴۵درصد رای مردم ترکیه را همراه خود کنند آنگاه می‌توان پیروزی بزرگی را برای اردوغان تصور کرد. چنین حمایت بالایی ممکن است در انتخابات آتی محلی و ریاست‌جمهوری و همچنین انتخابات بعدی آن یعنی پارلمان سه پیروزی متواتر از آن اردوغان و حزب عدالت و توسعه کند. اما این امر را باید در نظر گرفت که اردوغان به این سادگی میدان را ترک نخواهد کرد. بر اساس زمزمه‌ها و شایعاتی که در کریدور کاخ نخست‌وزیری در آنکارا پیچیده است اردوغان به دنبال تغییر سیستم ریاست‌جمهوری است و بر این اساس او به رای کردها دل بسته است. از همین‌روست که وی گفت‌وگوها را با کردهای ترکیه آغاز کرده است و به دنبال راه‌حلی برای صلح پایدار می‌گردد. اما این تغییر قانون ممکن است مانند چاقوی دو لبه عمل کند و موقعیت حزب را به خطر بیندازد. این موضوع نه‌تنها می‌تواند موقعیت وی را برای ریاست‌جمهوری به خطر بیندازد، بلکه موقعیت گل را هم نابود خواهد کرد. گل موقعیت‌های خود را برای فرستادن این لایحه به مجلس خرج کرده است و دیگر نمی‌تواند برای اردوغان کمک باشد.